

گزارش نشست تخصصی؛

بررسی ابعاد فقهی- حقوقی افشاگری رسانه‌ای

اسفند ۲۲، ۱۳۹۵ آخرین اخبار فرهنگ و ارتباطات

هر جا که مصلحت اقوی اقتضا کرد که افشاگری کنیم و این مصلحت اقوا با مصلحت حفظ حرمت مومن تزامم کرد به حکم عقل جانب اقوی المصلحتین را می‌گیریم این مساله از شهید و صاحب جامع المقاصد اقتباس شده است.

به گزارش شبکه اجتهاد، شصتمین نشست تخصصی معاونت پژوهش مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با موضوع «بررسی ابعاد فقهی حقوقی افشاگری» رسانه‌ای در موسسه فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین رفعتی نائینی استاد درس خارج فقه رسانه و دکتر حسین رضی معاون پژوهش برنامه ریزی و نظارت صدا و سیما برگزار گردید.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر طوبایی پژوهشگر ارشد رسانه ملی به عنوان دبیر علمی در ابتدای این نشست تخصصی گفت: نظام اسلامی ایران بر پایه ارزشهای دین مبین اسلام و مکتب تشیع بنا شده است. از طرفی ما با حرمت مومن مواجه هستیم. حرمت مومن مانند کعبه است و باید حریم مومن حفظ شود و از طرفی بحث حاکمیت و اداره جامعه اسلامی را بر عهده داریم که وظایفی دارد. به ویژه رسانه ملی وظایفی دارد که به نحوی تعارض گونه است اما در اصل تعارضی وجود ندارد.

وی ابراز داشت: به هر صورت وظیفه است که رسانه در زمان مناسب در مقاطعی افشاگری داشته باشد. این بحث هم حقوقی و هم فقهی است. بحث فقهی به عهده استاد رفعتی نائینی است و بحث تبیین علمی رسانه به عهده جناب دکتر رضی است. تلاقی این بحث را بزرگواران بیان خواهند کرد.

پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام گفت: افشاگری در موردی است که فعل حرامی صورت گرفته باشد و این مساله فقهی است که افشاگری گاهی واجب و گاهی حرام است. در جایی که حقوق مردم و بیت المال مطرح است افشاگری واجب است و باید معرفی شوند. حرام است در جایی که جرمی ثابت نشده است و عرض و آبروی مومنی در خطر است.

طوبائی عنوان کرد: این بحث می‌تواند برکاتی داشته باشد البته نفس موضوع افشاگری آسیب‌هایی وارد می‌کند و در نفس عمل شکی نیست زیرا بعضی احساس خطر می‌کنند خصوصاً در جایی که مرزها رعایت نشود قطعاً آسیب زننده است و اما آثار و برکات این موضوع اصلاح نظام اقتصادی و فرهنگی جامعه و اصلاح فسادهای آشکار و پنهان جامعه و در نهایت اصلاح جامعه اسلامی را بر عهده دارد.

بررسی ابعاد فقهی افشاگری رسانه‌ای

در ادامه جلسه حجت‌الاسلام والمسلمین رفعتی نائینی به ایراد سخن پرداخت و گفت: به عنوان مقدمه در ضرورت بحث بیان می‌کنم که بحث افشاگری رسانه‌ای مبتلی به رسانه ملی نیست. گرچه دبیر محترم بحث را به این سمت بردند اما بحث افشاگری رسانه‌ای مبتلی به آحاد ملت است. هر جوانی رسانه‌ای در جیب دارد و در شبکه‌های اجتماعی حضور دارد و پیامک‌ها و متن‌هایی که برای او در این گروه‌ها

ارسال می‌شود بسیاری مصداق افشاگری است. بدون تحقیق و علم مساله نه حکم افشاگری رسانه و نه موضوع آن را می‌داند و فوراً کپی و برای گروه‌های دیگر ارسال می‌کند.

وی افزود: اگر روزی رسانه ملی پیام رسان بود امروز همه مردم پیام رسان هستند و بسیاری از این موارد وارد در بحث افشاگری رسانه‌ای است. بحث امروز ما فقهی است همان طور که در عنوان نشست مشخص شده است و سیاسی نیست.

این استاد حوزه ادامه داد: از مبانی فقه می‌خواهیم به بحث افشاگری نگاه کنیم و پژوهشی داشته باشیم لذا بر اساس روش فقهی و سلف صالح بر اساس منابع دینی حکم افشاگری رسانه‌ای را از منابع کتاب، سنت، عقل و اجماع استنباط و استخراج کنیم.

این طور نیست کشف تمامی پنهان‌ها کار حرام باشد

وی افزود: افشا به معنای آشکار کردن و فاش کردن است. چیزی که پنهان است آن را بر ملا کنیم. چیزهایی که اسرار است و مستور است و ممکن است حرام باشد و یا فعل حرام نباشد. این طور نیست که کشف تمامی پنهان‌ها کار حرام باشد ممکن است اسراری باشد که نخواهد آشکار شود اما حرام نیست پس افشاگری اعم است.

رفعتی نائینی گفت: گاهی افشاگری صورت می‌گیرد و حلال است ولی اگر رسانه‌ای باشد حرام است. مانند نصح مستشیر که همه فقها می‌فرمایند می‌توان افشا کرد فردی به خواستگاری دختر شما آمده است و شما با دوست او مشورت می‌کنید آنچه که عیب و گناهان اوست و پنهان است بر شما جایز است که در رابطه با این فرد بیان کنید. فاسق است و شراب می‌خورد اما این مطلب را نمی‌توان رسانه‌ای کرد و در رسانه‌ها جار زد که اگر به خواستگاری دختر شما آمد این گناهان را مرتکب می‌شود.

وی در ادامه گفت: ابتدا می‌خواستم واژگان را توضیح دهم تا بحث مشخص شود. احکام متفاوتی در افشاگری وجود دارد. آنچه افشاگری را حرام می‌کند از مصادیق افشاگری حرام است اصل در افشاگری است. البته حرمت انسان مومن واجب است لذا مصادیق افشاگری رسانه‌ای حرام بسیار زیاد است و ادله را بیان می‌کنیم و از این افشاگری حرام که اصل است مواردی استثناء شده است و باید در کتب فقهی ملاحظه کنید.

معرفی منابع بحث

ایشان به معرفی منابع بحث پرداخت و گفت: منابع روایی بحث در وسائل الشیعه ج ۱۲ در پایان کتاب حج ابواب ایام عشرت قابل ملاحظه است. در منابع فقهی مکاسب محرمة نوع چهارم کتاب مرحوم شیخ انصاری در مساله غیبت این بحث بیان شده است همچنین مرحوم امام در مکاسب محرمة نوع رابع و مساله غیبت بحث کرده اند. غیبت با افشاگری از حیث مصداقی یکی است اگر چه مصادیق افشاگری بیش از غیبت است زیرا ممکن است در حضور طرف نیز صورت گیرد.

استاد درس خارج فقه رسانه در ادامه گفت: فقهای دیگری که در این زمینه مبسوط بحث کرده‌اند مرحوم آیت‌الله خوئی در مصباح الفقاهه است. البته موارد جواز غیبت (جواز بالمعنی الاعم) می‌تواند جایز یا مستحب و یا واجب باشد؛ یعنی حرام نیست و مواردی را در کتب فقهی استثناء کرده اند که جواز بالمعنی

الاعم داریم. من این موارد را نام می‌برم و در بخش بعدی به تک تک این موارد استدلال خواهیم کرد. مواردی که افشاگری رسانه‌ای جایز است:

۱- در مورد فتنه گران فکری، اجتماعی است در روایت به اهل البدع و الریب تعبیر می‌شود که این مورد وجوب دارد.

۲- افشاگری به ظالمان به حقوق مردم، در جهت رفع ظلم که واجب است.

۳- نظریه پردازان و مروجان قول باطل بالضروره؛ اگر سخن یا حرف و نظریه‌ای باطل است و قائل به این نظریه آن را ترویج می‌کند برای جلوگیری از انحراف واجب است که علما افشاگری داشته باشند تا گسترش پیدا نکند.

۴- افشاگری نسبت به دشمنان اسلام؛ افشای ابعاد پنهان نظام استکباری

۵- افشاگری نسبت به عقاید، افکار و اسرار کفار و منافقین.

توطئه گرانی که منافق هستند و به نام مسلمان در جامعه اسلامی حضور دارند. سخنانی که در خانه‌های تیمی بیان کرده اند قرآن افشا می‌کند و از پیامبر نیز می‌خواهد که افشا کند.

۶- متصدیان مسئولیت‌هایی که عدالت رکن و شرط اصلی آن مسئولیت است مانند حاکمیت. این مساله مصادیق متعددی دارد و در فقه به بسیاری از این مسئولیت‌ها پرداخته اند. مثلاً اگر شخصی راوی است و روایتی از امام معصوم علیه السلام یا شخصی که از اصحاب است نقل می‌کند مسئولیت کاری بر عهده گرفته که شرط آن عدالت است.

هزاران سال است که شما به کتب رجالی مراجعه می‌کنید و می‌بینید که نسبت به افکار راوی افشاگری کرده‌اند. الان نیز می‌گویند که این راوی توسط نجاشی تضعیف شده است. این افشاگری در رسانه صورت گرفته است که کتب از مصادیق رسانه است.

نمونه دیگر قاضی است که شخص می‌تواند عدالت قاضی را زیر سوال ببرد. یا مدعی دو شاهد عادل آورده است اما جرح شهود به نظر اکثر فقها جایز است.

حتی برخی از فقها مانند آیت‌الله خویی می‌فرمایند که اگر کسی مدعی علمیت است و شما علمیت را قبول ندارید مسلماً علم نیست و علمیت فلانی بیش از این است. این مساله به نحوی افشاگری است ولی بسیار ظریف و دقیق است.

۷- برخی از محکومان مجازات‌های خاص فردی که باید در ملا عام این حد جاری شود و عده‌ای از مومنین شاهد باشند. این مساله افشاگری و بردن آبروی شخص است منتهی باید در این مساله افشاگری کرد و دیگران نیز اجرای حدود را ببینند.

استاد درس خارج فقه حوزه علمیه قم در ادامه ابراز داشت: عناوین را بیان کردیم، موارد مصداق دیگری هست که من به جای بیان مصادیق عنوان کلی بیان می‌کنم. مواردی که شیخ استثنا می‌کنند به صورت عنوان کلی بیان می‌کنند اما این مساله مورد اعتراض برخی فقهاست. هر جا که مصلحت اقوی

اقتضا کرد که افشاگری کنیم و این مصلحت اقوا با مصلحت حفظ حرمت مومن تزامم کرد به حکم عقل جانب اقوی المصلحتین را می‌گیریم این مساله از شهید و صاحب جامع المقاصد اقتباس شده است.

افشاگری و مصلحت اقوایی

رفعتی نائینی گفت: این دو بزرگوار می‌فرمایند در صورتی افشاگری حرام است که مصلحت اقوایی برای افشاگری وجود نداشته باشد و مرحوم امام می‌فرمایند که ظاهراً می‌خواهند بگویند انصراف دارد ولی انصراف ندارد و اطلاق دارد. ما در مواردی که نام بردیم به دلیل خاص استثنا شده اند.

وی به نظر مرحوم خویی اشاره کرد و گفت: ایشان نیز همین اشکال را به این بزرگواران دارد و اگر به تفسیر مرحوم شیخ از کلام جامع المقاصد و کشف الریبه توجه کنیم می‌فهمیم که نمی‌خواهند این مساله را بیان کنند. ایشان به تزامم تعبیر می‌کنند؛ یعنی حرمت هست اما مصلحت اقوا این جا تزامم کرده است.

استاد تصریح کرد: مصلحت اقوا این است که جلوی فتنه گران و اهل شبهه را بگیریم. باید در این مساله افشاگری کرد و این مصلحت اقوا است نه این که بگوییم غیبت حرام نیست منتهی حکم ثانوی در اینجا مطرح می‌شود.

رفعتی به نظر مرحوم امام نیز اشاره کرد که فرموده است ما موارد جواز را به دو قسم تقسیم می‌کنیم و در دو مقام باید بحث کنیم: ۱- موارد استثناء ۲- مواردی که از باب تزامم است.

این استاد حوزه علمیه در خاتمه سخنان خود، تقسیم بندی فقهی مرحوم محقق خویی را بیان کرد و گفت: ایشان بحث را به سه بخش تقسیم می‌کنند، یعنی اول اشکال می‌کنند ولی بعد می‌پذیرند که باید به همین روش بیان کنند:

۱- مواردی که تخصصاً خارج است و نمی‌توان به آن غیبت و افشاگری گفت مانند متجاهر به فسق که موضوعاً خارج است.

۲- مواردی که تزامم وجود دارد و در افشاگری و غیبت مصلحت اقوایی وجود دارد

۳- مواردی که تخصیص خورده و یا با دلیل خاص و یا عام استثنا شده است.

نظر مقام معظم رهبری در مورد افشاگری رسانه‌ای

در ادامه جلسه دکتر طوبایی دبیر جلسه به نظر رهبر معظم انقلاب در مورد افشاگری رسانه‌ای اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری در سال ۹۰ دیداری با دانشجویان داشتند فرمودند: «یکی از دوستان اشاره کردند که امیرالمؤمنین در فرمان خود به مالک اشتر فرموده‌اند که آدمهای سوءاستفاده‌جو را رسوا کنید؛ شما گفته‌اید که افشاء نکنید. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند موردی را که اثبات نشده، افشاء کنید. هیچ وقت چنین چیزی در بیان امیرالمؤمنین نیست، و این قطعاً از اسلام نیست. ما چطور چیزی را که اثبات نشده، به صرف اتهام، افشاء کنیم؟ ممکن است اینقدر حجم اتهام زیاد و وسیع باشد که یک عده‌ای به چشم یک امر قطعی و واقعی به آن نگاه کنند، اما هیچ پشتوانه‌ی استدلالی نداشته باشد، جایی ثابت نشده باشد. ما هیچ حجتی نداریم که این را بگوئیم. حتی من در همان جلسه‌ای که اشاره کردند، از این بالاتر را گفتم. من گفتم حتی جرمی که ثابت شد، اصل نباید بر افشای آن جرم باشد. بالاخره یک

مجرمی است، یک غلطی کرده، مجازات هم می‌شود؛ خانواده‌ی او، فرزندان او، پدر و مادر او گناهی نکرده‌اند؛ ما چرا بیخود اینها را رسوا کنیم؟ مگر آنجائی که خود نفس افشاء کردن، یک مصلحت بزرگی داشته باشد. بله، یک جایی هست که نفس افشاگری در یک مسئله‌ی ثابت‌شده، مصلحتی دارد؛ آنجا ایرادی ندارد. این، منطق ماست. هیچ چیزی هم نه از امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) و نه از هیچ یک از ائمه‌ی هدی (علیهم‌السّلام) برخلاف این وجود ندارد. ما واقعاً حق نداریم افراد را به صرف گمان، متهم کنیم، مشهور کنیم؛ واقعاً جایز نیست؛ نه در سایت، نه در روزنامه، نه در تریبونهای گوناگون. حیثیت افراد را باید حفظ کرد.»

بررسی ابعاد حقوقی افشاگری رسانه‌ای

در ادامه جلسه دکتر حسین رضی معاون پژوهش برنامه ریزی و نظارت صدا و سیما به ایراد سخن پرداخت و گفت: نگاه من به این موضوع اجتماعی و ارتباطی است. سعی کردم از نظر موضوع شناسی و نگاه مساله از نظر ارتباطی بپردازم. بحث ادله فقهی کاملاً واضح است و من از باب حلقه‌های وصل بدان می‌پردازم و تخصص من این حوزه نیست.

وی ابراز داشت: این بحث استقرا تام نیست و استقرا ناقصی دارم در موضوعی که بحث جدی مطرح است و در دانشگاه و حوزه‌های علمیه باید بدان پرداخته شود.

این نظریه پرداز رسانه در ادامه گفت: امروز هر وسیله کوچک حتی در اختیار فرد خردسال تبدیل به رسانه شده است و او وسیله انتقال و باز نشر پیامی می‌شود که مصداق افشاگری می‌باشد. این شیرینی غیبت کردن در حوزه رسانه‌های جدید مزه دارد و اساساً به صدق و کذب این مساله کاری ندارد و بلافاصله منتشر می‌کند و حتی در خانواده‌های ما نیز ممکن است مصادیق آن پیدا شود.

این کارشناس رسانه تصریح کرد: از طرف دیگر بحث امروز را به شرایط زمانی کشور، مباحث انتخابات و مسائل سیاسی گره نزنیم زیرا کار سخت می‌شود و اساساً کسی که بیشتر کار کرده یا دولت مستقل بیشتر در محل بحث و جرح و انتقاد است و قاعدتاً اگر مباحث منصرف شود به بحث‌هایی که در حوزه رسانه ملی و رسانه‌های دیگر در رابطه با دولت مستقل مطالبات مردم را بیان کند کار مشکل می‌شود.

رئیس مرکز تحقیقات صدا و سیما در ادامه گفت: سه جهت در این مساله باید مشخص شود که اول باید به روشن شدن موضوع و ابعاد آن پرداخت زیرا روشن کردن مصادیق اولویت دارد. در جهت دوم مباحث فقهی است که باید بر مبنای فقه جواهری و سنتی اتکا کنیم و استاد رفعتی به طور کامل بیان فرمودند. البته این بحث مفصلی است که در یک جلسه قابل جمع نیست و اساساً می‌تواند مسیری باشد که فضلا وارد شوند و بحث مستوفایی شکل گیرد.

وی ابراز داشت: روشن کردن مصادیق بارز و کثیر استفاده و مبتلی به جامعه و رسانه و تعیین حکم اولویت دارد. اگر این مساله صورت گیرد به نظرم حوزه افتاء و حوزه تقلید می‌توانند ارتباط نزدیکی با هم برقرار کنند.

رضی گفت: در مباحث سیاست گذاری مدتی است که سعی کردیم سیاست گذاری را با احکام خمسّه تطبیق دهیم که بحث جالبی از آن استخراج می‌شود. باید جمع‌هایی شکل بگیرد که زبان مشترک و آثار

مشترک داشته باشند زیرا باعث برکات زیادی می‌شود. فرصت مطرح کردن این بحث را ندارم اما ثمره علمی والاّی دارد.

ارکان اصلی افشاگری رسانه‌ای

این کارشناس رسانه ادامه داد: بحث را از اینجا شروع کنیم که موضوع شناسی در این مساله انجام دهیم یکی از ارکان اصلی افشاگری رسانه‌ای خود رسانه است که باید رسانه را تعریف کنیم و این کار شاید سهل به نظر برسد اما این مساله از مسائل سهل و ممتنع است زیرا دامنه و ابعاد وسیعی پیدا می‌کند.

وی گفت: چند مورد را از باب روشن شدن مفهوم به عنوان موضوعات دوگانه بیان می‌کنم هر چندشاید وجوه افتراق در آن نباشد بلکه از باب مفاهیمی است که مقابل هم دیگر قرار می‌گیرند. ما در حوزه رسانه رسانه را به سنتی و مدرن تقسیم می‌کنیم. شاید بیش از یک دهه قبل که فضای مجازی به این صورت گسترش پیدا نکرده بود و ماهواره‌ها این گونه رشد نکرده بودند به خود رادیو و تلویزیون که می‌رسیدم آن را جدید می‌دانستیم اما امروز مرزها جابجا شده است و امروز شاید رادیو و تلویزیون را بتوان سنتی قلمداد کرد. به این تعبیر رسانه‌های نوین در حوزه ماهواره و فضای مجازی مطرح است. پس اگر می‌خواهیم در مساله افشاگری رسانه‌ای کار کنیم باید بدانیم در مورد کدام رسانه‌ها می‌خواهیم سخن بگوییم زیرا اثر وضعی دارد و مصداق این مساله متغیر است و حکم نیز گاهی به سبب مصادیق تغییر می‌کند.

رضی به بررسی مصداق پرداخت و گفت: در تعبیر دیگر رسانه‌ای فردی و جمعی را مطرح می‌کنیم و مثلاً کتاب رسانه فردی است از یک جهت که با فرد سرو کار دارد اما به لحاظ انتشار گسترده ممکن است رسانه جمعی باشد. رسانه گروهی مخاطب انبوه دارد و قابل شمارش نیست. در برخی از مباحث این گونه مطرح است که در حوزه رسانه‌ای سخنرانی در جلسه خاص را شاید مصداق افشاگری ندانیم اگر مصداق افشاگری شود مثلاً در بحث امنیتی در موضوع خاص افشاگری اشکالی ندارد زیرا می‌خواهند جلوی مفسده‌ای را بگیرند اما اگر از آن جلسه خارج باشد حتماً حکم دیگری پیدا می‌کند و ما در حوزه رسانه‌ای نمی‌توانیم این مسائل را بیان کنیم.

تفاوت رسانه‌های فردی و جمعی

رئیس مرکز تحقیقات صدا و سیما در ادامه گفت: حضرت آقا در درس خارج فرمودند که اگر جایی جنایتی اتفاق می‌افتد دوربین نمی‌تواند فیلمبرداری کند و انتشار دهد که البته مباحث قضائی و رسیدگی جداگانه مطرح است. ممکن است در موارد غیبت توسعه مصداقی و مفهومی داشتند. که البته در تخصص من نیست که وارد این بحث شوم اما می‌توانیم بین رسانه‌های فردی و جمعی تفاوت قائل شویم و بر اساس ادله حکم آن را بیان کنیم.

این نظریه پرداز صدا و سیما به تفکیک حوزه فعالیت رسانه پرداخت و گفت: ما در حوزه رسانه‌ای دو حوزه تولید و توزیع محتوا را تفکیک کنیم و در بحث افشاگری رسانه‌ای می‌توانیم به عنوان دو حوزه مستقل بدان بپردازیم و به حوزه فقهی عرضه کنیم مثلاً در تولید محتوا اتفاقی افتاده و شما نسبت به آن چیزی را تولید می‌کنید مثلاً نسبت به ویژگی‌های سیئه که شخصی دارد چیزی را تولید می‌کند و می‌گوید اگر این شخص به خواستگاری آمد می‌توانید ایرادات او را به این شکل ردیف کنیم و بنویسیم. اما بحث

همین است که حکم تولید و توزیع آن چگونه است؟ تولید و توزیع رسانه‌ای دو موضوع متفاوت و دارای مرز مشخص هستند و در رسانه ملی آن را مدنظر داریم.

وی ابراز داشت: تقسیم آخر در این بحث انتشار محدود و انتشار گسترده نیز مطرح است چیزی در محدوده خاص و در زمان خاص منتشر می‌شود و خیلی از مسائلی وجود دارد که در حوزه مسائل عادی خود داریم می‌گوییم در این جلسه می‌ماند و از آنجا خارج نخواهد شد مثلاً از برخی جلسات تعبیر رفع القلم نیز داشتیم ولی در جلسات عمومی نمی‌تواند بیاید و برخی مسائل مانند قمه زنی در عزای سید الشهداء علیه السلام داریم که اختلاف فتوا زیاد است اما اکثر علمای امروز آن را جایز نمی‌دانند زیرا سریع گسترش می‌یابد یا امروز متأسفانه شاهدیم که بحث فیلمبرداری از صحنه‌های درآوردن یکی از معضلات اجتماعی شده است+.

نقش و کارکردهای رسانه

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: موضوع دوم نقش و کارکردهای رسانه است که دوست دارم این بحث ادامه یابد. تلاقی این نقش و کارکردهای رسانه با مباحثی که فرمودند حوزه مشترک اساسی است و خیلی از تعارضات و نزاحات در آنجا شکل می‌گیرد. ما نقش و کارکردی که برای رسانه به عنوان جنبه ماهوی رسانه داریم که اگر از آن بگیریم اساساً دیگر رسانه نیست و خیلی روی این مورد تکیه می‌کنند و توجیه برای بسیاری از فعالیت‌ها برای همین قضیه است. اگر این مساله را خوب فهم کنیم می‌بینیم که رسانه دینی و اسلامی، کارکردهایی که به تعبیری ذاتی رسانه و جزء ماهیت رسانه است نیاز دارد که یکی نقش اطلاع رسانی است. اگر رسانه اطلاع رسانی نکند اساساً از حیز انتفاع ساقط است. اطلاع رسانی مباحث عادی و آشکار که وجهی ندارد و اطلاع رسانی جنبه‌های پنهان بسیار مهم است.

وی تصریح کرد: اطلاع رسانی جنبه‌های پنهان به تعبیری مترادف افشاگری است و اگر بخواهیم معنی از افشاگری ارائه اذهان به بیان جنبه‌های پنهان تصدیق می‌کند.

رضی در ادامه به نقش دیگر رسانه پرداخت که نقش خبری است و گفت: این مساله با اطلاع رسانی مترادف است ولی گاهی اوقات می‌تواند به معنای مصداقی تر اطلاق شود.

رئیس مرکز تحقیقات صدا و سیما گفت: جنبه دیگری که من روی آن تاکید خواهم کرد بحث نظارت بر محیط است بسیاری از علمای ارتباطات این بحث را مترادف کارکرد خبری و اطلاع رسانی می‌دانند اما بعضی جدا کرده اند که از باب اهمیت باید جدا شود. نظارت بر محیط یعنی رسانه مسئول پیرامون خودش را دائماً رصد کند و دائماً به مخاطبان گزارش دهد که در این گزارش خبر، اطلاع و سایر موارد وجود دارد.

امر به معروف و حوزه رسانه

استاد رضی افزود: من از اینجا وارد این بحث می‌شوم و آن را به کارکرد امر به معروف و نهی از منکر اتصال می‌دهم که شان دینی رسانه امر به معروف و نهی از منکر است و یکی از نزاحم‌هایی که ایجاد می‌شود بحث حفظ آبرو است به خصوص اگر وارد حوزه اجتماعی مساله شوید. یکی از مراحل امر به معروف تذکر لسانی است که این مرحله لسانی امروز در حوزه رسانه‌ای است.

وی ابراز داشت: کارکرد آموزشی در حوزه رسانه‌های بحث جدی است. آموزش و تربیت نیازمند نکاتی است که باید آموزش دهید. رسانه کارکرد آموزشی دارد و در مواردی جنبه‌هایی مطرح می‌کند که هشدار آموزش و تربیت را بیان کند تا مساله آگاهی بخشی و مصونیت بخشی محقق شود.

این پژوهشگر رسانه به نکته مهمی در مساله رسانه‌ها اشاره کرد و گفت: بحث تفریحات و سرگرمی از موارد مهم است که امروزه بازنشر بسیاری از پیام‌ها جنبه سرگرمی پیدا کرده است مثلاً با خنده می‌گوید پیامی که برای شما فرستادم دیدی! راجع به شخصی خبری زده است که دیدنی است! هیچ غرض عقلانی دیگری غیر از سرگرمی بر آن متصور نیست.

وی گفت: ما در بحث ماهیت افشاگری نیز می‌توانیم بحث کنیم که گاهی بیان واقعیت و گاهی بیان غیر واقعیت است. موارد جواز دروغ کم است و در این موارد نیز نمی‌گنجد. گاهی خلط بین حق و دروغ است و گاهی بزرگ نمایی است. ممکن است در حوزه افشاگری خلافی نیز اتفاق افتاده باشد که بزرگنمایی می‌کنند و باید در مسائل فقهی و حقوقی بررسی شود.

هدف و انگیزه در افشاگری مهم است

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: بحث هدف و انگیزه در افشاگری مهم است و به نظرم این بحث به عنوان سرفصل مهمی است. نقش نیت در جهت دهی به عمل است که یکی بحث هدف و وسیله است که آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند و پاسخ مشخص است. اما بحث عمل و نیت که یک عمل با دو نیت متفاوت شکل می‌گیرد. هدف و نیت می‌تواند بر اساس اصلاح و یا افساد باشد که هر کدام حکم جداگانه‌ای دارد یا خیر؟

وی در پایان سخنان خود گفت: بحث مصادیق افشاگری که می‌توانیم بحث کنیم. گاهی شخصی متهم است و شما نمی‌توانید اتهام او را مطرح کنید زیرا هنوز ثابت نشده است و گاهی شخص مجرم است. می‌توان روی مصادیق بحث کرد که کدام افشاگری است؟ بحث اعلام اسامی و مجازات کدام افشاگری است و این مباحث به نحو استقرا تام نیست و ممکن است ابعادی پیدا کند که به ما می‌گوید به حوزه‌ای که باید پرداخت بسیار گسترده است و هر روز این حوزه وسیع تر می‌شود.

جمع بندی مباحث و ابعاد فقهی افشاگری رسانه‌ای

رفعتی در جمع بندی مباحث فقهی گفت: بخشی از بحث فقه حکومتی است و باید از این منظر وارد بحث شویم. این بحث در این فرصت کوتاه به جایی نمی‌رسد زیرا موارد افشاگری رسانه‌ای متعدد است. با توجه به این بحث سعی می‌کنم دو مورد از این مواردی که در قسمت قبلی برشمردیم که این موارد از مباحث حلیت و افشاگری رسانه‌ای است و بعضاً واجب است عرض کنم.

ادله حرمت افشاگری

وی در ادامه گفت: پنج آیه در این مساله داریم که دو آیه بسیار روشن است:

۱- آیه غیبت که در سوره مبارکه حجرات آمده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَعْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا يُجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ اَوْ تَقُولُ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ)
سوره حجرات آیه ۱۲

آیه نهی دارد و نهی نیز ظهور در حرمت است.

۲- آیه ۱۹ سوره نور نیز موید همین بحث است:

(إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)

این مساله هم مجازات دنیوی و هم مجازات اخروی دارد و عذاب نشانه گناه کبیره است. وجه استدلال به آیه وعده عذاب است و نکته دیگر این که افشای بدی‌ها از مصادیق اشاعه فحشاست و لذا به وسیله این آیه حرمت اثبات می‌شود.

۳- در سوره مبارکه همزه می‌فرماید: (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ) آیه ۱

وای بر هر بدگویی که عیب دیگران را بگوید. همزه یعنی عیب دیگران را بازگو کردن و لمزه همین ذکر عیوب بالغیب یا بالاشاره است که به وسیله کنایه است. وجه استدلال با توجه به معنایی که برای این دو هست روشن است. ویل به معنای هلاکت شدید و قعر جهنم است.

۴- آیه ۱۴۸ سوره نساء است که می‌فرماید:

(لَا يُجِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا)

سخن سوء و حرفی که سوء دیگران را برملا می‌کند. خداوند دوست ندارد که این مساله رسانه‌ای شود. تنها اعتراضی که برخی فقها به این آیه داشته اند این است که «لا یحب الله» بر حرمت دلالت ندارد و برخی از فقها به درستی اشاره کردند که عدم حب الهی شدت مبعوضیت را می‌رساند و لذا دال بر حرمت است.

بررسی روایات افشاگری رسانه‌ای

این استاد حوزه در ادامه به روایات فروان در این مساله اشاره کرد و که چند دسته است و از محرماتی که روایت زیادی داریم بحث غیبت و افشاگری است. تعبیر در این مساله مختلف است برخی به «اشد من الزنا» و برخی به «خوراک سگ‌های جهنم» تعبیر کرده اند. در برخی از روایات «تاکل الحسنات» بیان شده است یعنی همان طور که آتش هیزم را از بین می‌برد غیبت و افشاگری نیز ایمان را از بین می‌برد و می‌سوزاند. روایات مختلفی بر لزوم عرض و آبروی مومن هست که حفظ آن از حرمت کعبه بالاتر است.

وی افزود: حرمت این مساله به عقل و اجماع نیز ثابت است. ریختن آبروی مومن ظلم به اوست و عقلاً تقبیح شده است که اسرار نهان مومن افشا شود. البته در رابطه با مساله دو مورد استثنا وجود دارد یکی همین است که کسانی که فتنه فکری در جامعه ایجاد می‌کنند که افشاگری در این مساله واجب است.

رفعتی ابراز داشت: روایت صحیحہ داود بن صرحان از لحاظ متن نیز قوی است که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إذا رأيتم أهل الريب و البدع من بعدى فأظهروا البراءة منهم و أكثروا من سبهم و القول فيهم و الوقيعه و باهتوهم كيلا يطمعوا في الفساد في الاسلام و يحذرهم الناس و لا يتعلموا من بدعهم يكتب الله لكم بذلك الحسنات و يرفع لكم به الدرجات في الآخرة.» وسائل ج ۱۶ باب ۳۹ باب الامر و النهي. فقرات این روایت روشن می‌کند که چه مقدار مسئله اهمیت دارد که این برای حاکمیت اسلامی و علما و وظیفه است که در برابر کسانی که در جامعه شبهه ایجاد می‌کنند باید افشاگری کند. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید که اگر اهل بدعت و ریب را دیدید یعنی کسانی که در جامعه ایجاد شبهه می‌کنند، اولین وظیفه جامعه اعلام و اظهار برائت است. نسبت به این‌ها بسیار شماتت کنید و تحقیرشان کنید. عبارت «والقول فيهم» همین افشاگری رسانه‌ای است. کلمه «وقيعه» تعبیر دیگری از غیبت است. در این مساله سخن بگویید و افشاگری کنید. کلمه «و باهتوهم» نیز امر است و در وجوب ظهور دارد و دو معنا دارد: ۱- بهتان ۲- بهت زده کنید یعنی به گونه‌ای برخورد کنید که مبهوت شوند.

رفعتی نائینی افزود: چرا باید حاکمیت و رسانه ملی با این افراد این گونه برخورد کند؟ تا این که در جهان اسلام طمع نکنند و مردم نیز از این افراد حذر کنند. مردم بدعت‌های این افراد را فرا نگیرند. این مصلحت اقوا اقتضا می‌کند که نه تنها افشاگری جایز باشد بلکه واجب باشد. روایت داریم که اگر عالمی در مقابل بدعت گزار سکوت کرد خیانت کرده است. حتی روایت داریم که اگر به اهل ریب و بدعت احترام گذاشتیم مشارکت در هدم اسلام کرده ایم که تعبیر روایت این چنین است که شخص در هدم اسلام قدم برداشته است (قدمشی فی هدم الاسلام)

وی در پایان گفت: در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «ثلاثة ليس لهم حرمه صاحب هوى مبتدع و الامام الجائر و الفاسق المعلن الفسق؛ سه کس احترام ندارند، فرد منحرف بدعت گزار است (اشاره به صاحبان مکتب‌های انحرافی است) و دیگر پیشوای ظالم و فاسق متجاهر به فسق است.

جمع بندی ابعاد حقوقی مساله افشاگری

در ادامه دکتر حسین رضی به ایراد سخن پرداخت و گفت: اشکالی که مطرح شده است این است که می‌خواستند بحث مصداقی شود و مواردی که رسانه ملی بدان می‌پردازد مورد بحث قرار گیرد. بحث مصلحت که جدی و مهم است. مصلحت امر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است شاید به یک معنا اگر خرده نگیرید این که حضرت امام اجتهاد مصطلح را در بحث کافی نداشتند به همین نکته برمی‌گردد زیرا بحث تشخیص مصلحت است و زمانی که این مهم به میدان می‌آید هر کسی نمی‌تواند مصلحت را معین کند. تشخیص مصلحت با کیست؟

وی افزود: ما به طور روزمره و هفتگی در جلسات مستمر روی همین مباحث دقت می‌کنیم و دوستانی که حضور دارند این مبانی را می‌دانند. نه این که هر سطح علمای بزرگ باشند. گاهی طبق همین مبانی تصمیم به این نتیجه می‌رسد که پخش این برنامه به مصلحت هست یا نیست. این مساله جدی است و گاهی بین دانشجویان نیز این بحث را داریم و گاهی دوستان تصدیق بلا تصور دارند. اگر تصدیق را

مصدق یابی بدانیم این تطبیق من عندی است و هیچ ارزش اجرایی ندارد. این مساله فقه رسانه جدید است. ما محتاج چنین مباحثی هستیم که اگر به صورت مستدل بیان شود بسیار کارگشاست.

این استاد دانشگاه به یکی از مسائل حقوقی بحث اشاره کرد و گفت: بحث آزادی در دو جنبه آزادی بیان و حق آزادی دسترسی از منظر فرستنده و گیرنده باید بررسی شود. فرستنده حق دارد که هرچه به دستش می‌رسد و یا در اختیار دارد منتشر کند و این اصل است و هر چه آن را محدود کند خلاف اصل است. اگر ادله‌ای باشد از باب این که استثنا کند می‌شود یا در حوزه‌ای که تداخل کند بر اساس مصلحت یک طرف را ترجیح دهید.

وی در ادامه بحث حقوقی به آزادی دسترسی مخاطب به هر آن چه وجود دارد نیز اشاره کرد و گفت: در غرب نیز بدان استدلال می‌شود و به همین علت جلوی بسیاری از موارد را نمی‌گیرند و تنها برای هشدار محدود می‌کنند مانند فیلم‌هایی که مثبت ۱۸ سال است. مثلاً سیستم بازی‌های رایانه‌ای را برای گروه‌های سنی خاص تفکیک می‌کنند. پس بحث آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات از مباحث جدی این عرصه است و باید ورود این بحث در موارد فقهی و حقوقی مشخص شود که می‌تواند دست ما را باز کند.

رضی ابراز داشت: گاهی در بحث بلاد کبیره مساله‌ای را مطرح کردم و پرس و جو کردم که باید در چه منبعی از آن مطلع شوم که به بحث قواطع سفر در کتاب جواهر ارجاع دادند و من با توجه به مطالعه در این زمینه نتوانستم اصل قضیه را دقیقاً متوجه شوم. پس در این مساله می‌خواهیم شما را به سرچشمه بحث ببریم و منابع را متوجه شوید و تعیین مصداق را بر عهده خودتان قرار دهیم به اصطلاح بگذارید که ماهی گیری یاد دهیم.

بیان سوالات

در ادامه دبیر جلسه به بیان سوالات پرداخت و گفت: سوالاتی مطرح است که به صورت فشرده بیان می‌کنم و اساتید بدان پاسخ گویند.

- ۱- در مواردی که افشاگری با مسائل بین المللی تعارض دارد چه کنیم؟
- ۲- افشاگری در مواردی که فعل قبیح نیست و نمی‌خواهد فاش شود چگونه است؟
- ۳- تفاوت افشاگری رسانه‌ای با غیر رسانه‌ای چیست؟
- ۴- در مورد فتنه گران می‌توانیم سائر مسائل آنان را افشا کنیم؟
- ۵- بحث تعارض افشاگری با اسرار نظام چگونه جمع می‌شود؟
- ۶- اگر نیاز به افشاگری نباشد و دستگاه‌های انتظامی بتوانند برخورد کنند حکم مساله چیست؟ در صورتی که راه‌های موازی هست وظیفه چیست؟
- ۷- در نص روایت و آیات چه واژه‌ای صریحاً برای افشاگری به کار رفته است؟

حجت‌الاسلام رفعتی در پاسخ گفت: یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌ها که می‌تواند ریشه کن کردن مفسد را برای حمایت اسلامی اجرایی کند و فساد را از بین ببرد رسانه به خصوص رسانه ملی است. اگر رسانه به میدان آمد نه تنها می‌تواند فساد جامعه را به وسیله افشاگری برطرف کند و اگر در این مساله دقت نشود و زوایا لحاظ نشود ممکن است موجب آبروریزی شود و گاهی موجب تضعیف نظام می‌شود و از مصادیق حرام است. همیشه این طور نیست که وظیفه داشته باشیم مفسد اقتصادی را در رسانه به نمایش بگذاریم و افشا کنیم و اعتماد جامعه را به مسئولین و نظام از بین ببریم. آیا اینجا مصلحت اقوی افشاگری است یا خیر؟ مبارزه با فساد باید در مجاری و دستگاه‌های قانونی خودش انجام شود و افشاگری به صلاح نیست. کجا می‌تواند تشخیص دهد و نیاز به کمیسیون است و هماهنگ با شورای امنیت ملی باید بررسی شود.

وی در پایان گفت: باید در بعد بین‌المللی این مساله مشخص شود. در ترازم این چنین است و باید با دقت و وسواس تشخیص داده شود که مصلحت اقوا چیست و الا نمی‌توانیم رفع ید کنیم و دست برداریم و بگوییم افشاگری واجب است در حالی که به مسائل بین‌المللی، امنیت و اجتماعی ما آسیب وارد می‌کند.

دکتر رضی نیز در پاسخ به سوالات مطرح شده گفت: در حوزه حقوق و رسانه به دلیل ماهیت رسانه اصل بر آزادی بیان است. اصل بر داشتن حق دسترسی به اطلاعات است. به نظر زمانی که از آن زاویه مطرح می‌شود باید مواردی که به عنوان خلاف اصل باید مشخص شود.

این محقق رسانه افزود: این مساله را می‌خواهم جمع بندی کنم و شاید سرآغاز بحث جدی مهمی باشد. باید در این مساله موارد حرام را مطرح کرد و نباید احتیاط نیز به خرج داد. تعبیرم این است که احتیاط در حوزه رسانه در ترک احتیاط است و اگر این کار صورت بگیرد مخاطب را از دست می‌دهیم.

این کارشناس رسانه در پایان گفت: اگر بتوانیم حوزه‌هایی که به صورت روشن و قطعی دارد بیان کنیم بقیه موارد جواز بالمعنی الاعم و حتی مکروه نیز مشخص می‌شود که نباید به موارد مکروه پرداخت. شاید به تعبیری این دو اصل بتواند با هم تعارض داشته باشند یعنی اصلی که من در حوزه آزادی منایع عرض کردم که در جهان امروز شاهد هستیم و اصلی که در بیان افشاگری فرمودند که اصل بر حرمت است مگر دلیل خاصی بیاوریم که آن را خارج کند بهر حال امر بین این دو می‌تواند موضوع بحث جدی و شروع سرفصل جدیدی در این مساله باشد / وسائل